**( 207 )**

**هو الأبهی**

ای دمساز پر نیاز شیراز آوازه‌اش همیشه جهانگیر بود و شهناز مرغ ادیبش بهفت اقلیم میرسید چنانچه دیوان شعرایش در هر کشوری منتشر و فصاحت و بلاغت ادبایش در هر اقلیمی مشتهر و بهر لسانی مترجم گویند هوای شیراز فرح انگیز است و نشاط خیز چرا در چنین بهار مستمری که شرق و غرب را احاطه نموده و این ربیع بدیعی که بساط لطافت گسترده و بدایت این ربیع طلوع نیر آفاق نهایتش پانصد هزار سال مرغان چمن اگر در این بهار گل و سمن بنغمه و آهنگ نیایند در چه موسمی در شاخسار عرفان گلبانگ رحمان زنند و درس مقامات معنوی دهند باری آن اقلیم موطن مبشر عظیم بود و آن کشور مشرق آن کوکب منور باید شعله‌اش شدید باشد و نورش پدید شهابش ثاقب گردد و سهامش نافذ شمشیرش جهانگیر گردد و کوکبش مهر منیر دریایش پر جوش بود و نهنگش پر خروش عینش نابع گردد و سراجش ساطع نسیمش جانبخش شود و تسنیمش روح بخش جنود عرفانش طلایه فتوح گردد و جیوش ایقانش مؤید بملکوت رب ودود تا علم محبة الله بلند گردد و ارکان امر الله ارجمند اینست سزاوار آن مرغزار و اینست لائق آن دیار فرصت غنیمت شمار تا توانی در این سبیل دواسبه بران و بمنزل مطلوب برس و شاهد مقصود در آغوش آور مبلغ نوزده قران که بآن شخص محترم تسلیم نموده بودید رسید (ع ع)